



سید علی میرموسوی دکترای علوم سیاسی

کرونا و مسئولیت‌های بشر دوستانه



شروع کرونا از چین و گسترش آن به سراسر جهان، دولت چین را با اتهام عدم شفافیت و در نتیجه مسئولیت در برابر پیامدهای ناگوار این اپیدمی روبه‌رو ساخت. گروهی از مقامات سیاسی، در برخی از کشورهایی که در برخورد با کرونا غافل‌گیر شدند، بسیاری از داده‌های چین درباره ویروس کرونا را نادرست خواندند و آن را به بی‌صدافتی متهم کردند. اگرچه دیپلمات‌های چینی با حضور گسترده در رسانه‌ها کوشیدند این اتهام را از خود رفع کنند؛ ولی این بحث زمینه‌ساز توجه به موضوع کرونا از زاویه مسئولیت‌های بشر دوستانه شد.

با وجود پیامدهای ناگوار فراوان کرونا برای زندگی بشر، می‌توان آن را آزمونی بی‌همانند برای بشر دوستی در جهان کنونی دانست. گفتمان بشر دوستانه برخلاف گفتمان حقوق بشر، به جای حقوق، بیشتر بر مسئولیت تأکید می‌کند و در حوادث و رویدادهای هولناک و فاجعه‌آمیز دولت‌ها، نهادها و افراد را به انجام وظایف بشر دوستانه فرامی‌خواند. در حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولت پیشینه‌ای دراز دارد و بر پایه آن دولتی که تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند، مسئول شناخته می‌شود. پرسش مهم این است که چگونه و بر اساس چه معیاری می‌توان اقدام دولت‌ها را در این ارتباط ارزیابی کرد؟ ارزیابی رفتار دولت‌ها در ارتباط با این مسئولیت، پیش از هر چیز به تحلیل مفهوم مسئولیت وابسته است.

مسئولیت معادل responsibility است و انجام تعهد را تضمین می‌کند؛ از این رو با آن همراه است. هر شخص یا نهادی که از انجام تکلیف و تعهد خود شانه خالی کند، نسبت

به عنوان ابزاری برای تدوین و اجرای قوانین خود متکی است و از دو اصول هم‌زاد حاکمیت دولت و برابری دولت‌ها ناشی می‌شود. بنابراین برای تحقق مسئولیت دولت، باید نشان داد دولتی نسبت به دیگری تعهدی بین‌المللی داشته که آن را نقض کرده و در جریان این نقض به دولتی که نسبت به آن وظیفه داشته، خسارت وارد کرده است (ibid., p398).

در تحلیل مفهوم مسئولیت پیش از هر چیز، توجه به دو جنبه بازنگرانه یا گذشته‌نگر و آینده‌نگرانه آن اهمیت دارد: در بعد نخست، مسئولیت به اعتبار انجام عمل مجرمانه و نقض قانون معنا پیدا می‌کند. از این نظر مسئولیت به معنای نقش داشتن در اقدامی زیان‌بار و در نتیجه مسئول بودن در خصوص جبران آن است. تحقق این نوع مسئولیت به تحقق آسیب و زیان وابسته است؛ به این معنا که نخست زبانی رخ می‌دهد، سپس با بررسی زنجیره‌ای از رخدادها که وقوع یا عدم وقوع آن به این زیان انجامیده، عامل آن مشخص و فرد یا نهادی که مسئول آن است، تعیین می‌شود. بر اساس این جنبه از مسئولیت، سازوکارهای قضایی تنها هنگامی می‌توانند دولت‌ها را پاسخ‌گو کنند که واقعیت‌هایی که بتوان درباره آن‌ها قضاوت کرد، وجود داشته باشند.

وجه آینده‌نگرانه مسئولیت، نشان‌دهنده وظایفی است که دولت‌ها در برابر حقوق بین‌الملل برعهده دارند؛ از این رو معنای آن با تعهد یکسان است. این جنبه را در این نوع کنش کلامی می‌توان به خوبی نشان داد که به کسی گفته شود «هر اتفاقی بیفتد شما مسئول هستید». مراد از این سخن، آگاه کردن مخاطب به وظیفه‌ای است که او بر دوش دارد. بر این اساس صرف نظر از این‌که او چه نییتی دارد و در چه شرایطی واقع شده است، مسئول شناخته می‌شود.

این دو وجه از مسئولیت در ذات باهم ناسازگار نیستند و به دو جنبه بسیار متفاوت اشاره ندارند، بلکه می‌توان آن‌ها را مکمل یکدیگر نیز دانست. از یک سو، شناسایی مسئولیت در وجه آینده‌نگرانه آن، بر این تأثیر می‌گذارد که به‌طور قانونی (به صورت گذشته‌نگر) برای عدم موفقیت در حمایت از حقوق بشر دوستانه مسئول باشد. از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری گذشته‌نگر، به جای این‌که تنها نقض این حقوق را پس از وقوع مورد توجه قرار دهد، می‌تواند زمینه‌ساز توجه به پیش‌بینی و پیشگیری از آن در آینده نیز باشد؛ برای مثال، می‌توان عبارت «هیچ آسیبی نزن» را در سوگندنامه بقراطی پزشکان در نظر گرفت. این عبارت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله اندیشه و علوم انسانی

به آن مسئول شناخته می‌شود. مسئولیت دولت اصلی، فراگیر در حقوق بین‌الملل و از قدمتی به اندازه آن برخوردار است. تبار این مفهوم را می‌توان جنگ عادلانه دانست که به موجب آن هر دولتی حق توسل به جنگ به عنوان آخرین چاره برای استیفای حق خود در برابر دولت دیگر را دارد؛ همچنان که دولتی که جنگ ناعادلانه به راه اندازد، وظیفه دارد به دولت زیان‌دیده خسارت بپردازد (Mashood A. Baderin, Manisuli) (Ssenyonjo, 2010, p397). بنابراین مسئولیت دولت، خلاصه این اصل ساده و حیاتی است که هر اشتباه قانونی، مسئولیت حقوقی در پی دارد. بر این اساس، مسئولیت دولت برای اقتدار و اثربخشی قوانین بین‌المللی ضروری است. بدون هرگونه مسئولیت حقوقی، تعهدات ایجاد شده توسط حقوق بین‌الملل، مورد احترام دولت‌ها قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، مسئولیت دولت ریشه در ماهیت نظام حقوقی بین‌الملل دارد که به دولت‌ها

مسئولیت دولت
خلاصه این اصل
ساده و حیاتی
است که هر
اشتباه قانونی،
مسئولیت
حقوقی در پی
دارد





به بیان دیگر، شرط کامل بودن، مسئولیت نامحدود نسبت به دیگری است. این امر مستلزم آرمان‌های بلندپروازانه نیست، بلکه به معنایی عمل‌گرایانه، کارهایی را تعیین می‌کند که در شرایط خاص لازم است برای کمک به دیگری انجام شوند (bid, p33-34). برای مثال، می‌توان اقدام‌های بشردوستانه سازمان پزشکان بدون مرز^۱ را نمونه‌ای از انجام این مسئولیت دانست. نیروهای این سازمان در شرایطی که با خطر مرگ روبه‌رو هستند، بر پایه این نوع مسئولیت به یاری نیازمندان اقدام می‌کنند.

در چارچوب کاربردهای بیان شده می‌توان رفتار دولت‌ها در انجام مسئولیت‌های بشردوستانه خود در بحران کرونا را داوری و ارزیابی کرد. با وجود این، برخورد با این همه‌گیری به سطحی فراگیرتر از احساس مسئولیت به‌ویژه در عرصه اجتماع نیز نیاز دارد. به نظر می‌رسد در این عرصه وجه اخلاقی مسئولیت، یعنی کاربرد چهارم، از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. کرونا هرچند با محدودکردن اجتماعات، زمینه‌ساز جدایی و دورشدن انسان‌ها بود؛ ولی با ایجاد چنین احساسی از مسئولیت، ارزش‌هایی همچون نوع‌دوستی و شفقت نسبت به هم‌نوع را تقویت کرد.

1. retrospective
2. Médecins Sans Frontières

منابع

Mashood A. Baderin, Manisuli Ssenyonjo - International Human Rights Law - Six Decades after the UDHR and Beyond-Ashgate (2010). pdf
Mills, Kurt & Karp, David Jason (edit), 2015, Human Rights Protection in Global Politics Responsibilities of States and Non-State Actors, Palgrave Macmillan



ایمانوئل لویناس
(۱۹۰۶-۱۹۹۵)
فیلسوف
اخلاق معاصر،
اخلاق را بر بنیاد
تقدم دیگری
بر خود استوار
می‌دانست. بر
پایه دریافت او،
مسئولیت امری
اخلاقی است و
جایگاهی بس
فراتر و بنیادی‌تر
از سه مفهوم
پیشین دارد

مسئولیت در مفهوم اداری آن، همچنان که ویر به درستی بیان کرده است، به فرد یا گروهی خاص تعلق ندارد، بلکه بر پایه تقسیم‌کار و کارایی بهتر، به منصبی مشخص در درون ساختار پلکانی نهادی خاص، مربوط می‌شود. در اینجا تمرکز نه بر عدالت، بلکه بر کارایی است و پرسش این است: چگونه دفتر، اداره یا سازمان خاص می‌تواند وظیفه‌ای را که به آن واگذار شده است، به بهترین شکل انجام دهد (Ibid, p28-31). در موضوع کرونا این نوع مسئولیت در سطح جهانی درباره سازمان بهداشت جهانی و در سطح ملی درباره وزارت بهداشت و درمان کاربردی روشن‌تر دارد.

مسئولیت در سومین مفهوم خود نه به عامل رنج و دردسر و نه به منصب اداری موظف به کاری خاص، بلکه به توانایی و ظرفیت انجام کاری از روی نوع‌دوستی اشاره دارد. این نوع مسئولیت می‌تواند مبنایی برای وظایف خیریه باشد؛ برای مثال، ثروت فردی شخص برای او مسئولیت ایجاد می‌کند تا از آن برای کمک به افراد کم‌درآمدتر استفاده کند. این مفهوم از مسئولیت درباره دولت با این هدف به کار می‌رود که آن را به استفاده از قدرت خود در جهت خوبی سوق دهد. از این دیدگاه حاکمیت سیاسی نیز نوعی مسئولیت قلمداد می‌شود و دولت در پرتو بهره‌مندی از آن موظف به تأمین خیر عمومی است (bid, p31-32).

آخرین مفهوم از مسئولیت که با عنوان دیگر مسئولیتی می‌توان از آن یاد کرد، معنایی اخلاقی دارد و خاستگاه آن علیت، منصب و توانایی نیست، بلکه از توجه به نیاز دیگران پدید می‌آید. این همان مسئولیتی است که سعدی نیز در سخن جاودان خود از آن یاد کرده است. این نوع مسئولیت در این عقیده ریشه دارد که ما با دیگران پیوند و وظیفه داریم به آن‌ها کمک کنیم و در واقع به شکل بالقوه دیگران را برتر از خود بدانیم.

ایمانوئل لویناس (۱۹۰۶-۱۹۹۵) فیلسوف اخلاق معاصر، اخلاق را بر بنیاد تقدم دیگری بر خود استوار می‌دانست. بر پایه دریافت او، مسئولیت امری اخلاقی است و جایگاهی بس فراتر و بنیادی‌تر از سه مفهوم پیشین دارد. این مسئولیت نامشروط، فروناکاستنی و مطلق است؛ زیرا بنیادی است که سوژه به عنوان عاملی که می‌تواند شرط، وظیفه و مرزبندی برقرار کند، بر آن استوار است.

هم بیانگر وظیفه‌ای آینده‌نگر است و هم قاعده‌ای گذشته‌نگر، که می‌تواند معیاری برای قضاوت درباره یک کار نادرست باشد. با تحلیل کاربردهای مسئولیت در گفتمان بشردوستانه، می‌توان چهار مفهوم را از یکدیگر تفکیک و بازشناسی کرد. به بیان دیگر، در پاسخ به این پرسش که مسئولیت این کار با کیست؟ می‌توان از چهار نوع مسئولیت سخن گفت: علیت و پاسخ‌گویی، منصب اداری و وظیفه، توانایی و نوع‌دوستی و در نهایت وظیفه اخلاقی بنیادی نسبت به دیگران (itoma & By- (strom, in Mills & Karp, 2015, p25).

مفهوم نخست، معنایی گذشته‌نگر دارد و به عامل تحقق یا انجام کاری اشاره می‌کند. به بیان دیگر، مراد از این پرسش که مسئولیت این کار با حادثه با کیست، می‌تواند این باشد که علت و سبب انجام چه بوده است؟ این مفهوم بیانگر سبب و عامل تحقق حادثه است و با هدف اشاره به عامل وقوع رخدادی رنج‌آفرین و دردسرساز به کار می‌رود. شناسایی مسئولیت به این معنا، نیاز به تجزیه و تحلیلی تجربی و گذشته‌نگر از یک حادثه و تعیین عواملی دارد که در ایجاد درد و رنجی برای بشر نقش داشته‌اند. از این دیدگاه، هرگاه اعمال دولتی منجر به «خسارت جانی» شود، آن دولت مسئول شناخته می‌شود و باید به آن پاسخگو باشد (bid, p26-28). برای مثال، دولت آمریکا با تحریم ایران، به مردم ایران آسیب رسانده و از این رو مسئول شناخته می‌شود. دولت چین نیز از این نظر که با شیوه اطلاع‌رسانی و دیگر اقدامات در گسترش این بیماری به خارج از مرزهای خود نقش داشته است، مسئولیت دارد و باید پاسخگو باشد. دومین مفهوم بیانگر مقام و پستی اداری است که وظیفه انجام کاری را دارد.